

ادبیات و رثای حسینی و عاشورایی

دکتر محمد جنتی‌فر*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

(تاریخ دریافت ۸۵/۲/۱۳ تاریخ تصویب ۸۵/۵/۲۴)

چکیده

اقوام و ملت‌های دنیا از دیرباز در موضوعات و قالب‌های گوناگون بر اساس باورها و گرایش‌های خاص خود به سرودن شعر پرداختند و پایه‌های ادبیات خویش را بنا نهادند. از جمله موضوعات مشترک و ادبیات ملل مختلف «رثا» یا «سوگنامه» می‌باشند.

رثا یا سوگنامه چه در شعر یونان قدیم، مانند قصه‌های «اوزیرس و ایزیس» و چه در شعر فارسی، مانند اشعار رودکی و محتشم کاشانی و همچنین در شعر عربی قبل از اسلام و بعد از اسلام از جمله موضوعات شعری به حساب می‌آید. گسترده‌ترین مصداق این گونه اشعار رثای شیبی در باره‌ی حسین بن علی (ع) و یاران آن حضرت در حادثه کربلا می‌باشند. جواد شبرنویسنده کتاب ادب‌الطف می‌گوید: جمع‌آوری اشعار رثایی درباره‌ی حسین بن علی (ع) به صد ها جلد کتاب می‌رسد. ولی سؤال مهم این است که:

- ۱) چه مرثیه‌ای مطلوب و سازنده و حامل پیام حسین (ع) و عاشورا می‌باشد؟
 - ۲) کدامین مرثیه را انمه معصومین (ع) به آن توصیه می‌کردند؟
 - ۳) چه نوع مرثیه‌ای می‌تواند عاملی موثر در گسترش فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی باشد؟
 - ۴) مرثیه‌سرایان حسینی چه ویژگی‌ها و معیارهایی را باید در نظر بگیرد تا مرثیه سودمند و ماندگار باشد؟
- این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های پیش‌گفته می‌باشد.

واژگان کلیدی:

رثا، مرثیه، عاشورا، ادب، رثای حسینی، رثای شیبی.

مقدمه

در نظام هستی پدیده‌ها و حوادث گوناگونی وجود دارند که منشاء شکل‌گیری آثاری خاص در زندگی انسان‌ها شده‌اند. از جمله این پدیده‌ها موضوع مرگ است؛ واقعیت انکارناپذیری که بشر همواره با آن روبه‌رو بوده و واکنش‌های مختلفی در برابر آن از خود به جای گذاشته است. انسان برای تسکین و تسلی خاطر محزون خویش و پیاپی بازماندگان و گرامیداشت یاد و خاطره‌ی از دست‌رفته‌گان چاره‌اندیشی کرده و آداب و رسوم ابداع و اختراع نموده است.

یکی از مصادیق این آثار، سوگ سروده‌ها و مرثیاتی است که انسان در مرگ دیگر انسان‌ها و عزیزان خود بوده است؛ سروده‌هایی که در گنجینه‌ی فرهنگ‌ها و ادبیات ملت‌های مختلف سهم بسزا و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است؛ سروده‌هایی که جلوه‌ای از واکنش‌ها و تاثیرات مرگ، بر اندیشه‌ها و عواطف و احساسات آدمی بوده است؛ سروده‌هایی که شاهدهی گویا بر اهتمام و توجه آدمی به مقوله‌ی مرگ و سطرپی از تجلیات عاطفه و احساس پاک انسان در قبال انسان‌های دیگر است.

به طور قطع این‌گونه سروده‌ها در ادبیات ملت‌ها می‌تواند نقشی عمده در آشنایی با عقاید و سنت‌ها و آداب و رسوم آنان و نیز دیدگاه‌ها و نظریات سراینده‌گان آن ایفا نموده و حامل پیام‌ها و نتایجی است که بر معرفت و شناخت انسان نسبت به جهان اطراف خود تاثیر مهمی داشته و زوایا و میدان‌های مناسبی را برای تحقیق و پژوهش به وجود آورده است. از جمله‌ی این سروده‌ها، سوگ سروده‌هایی است که متأثر از حادثه‌ی عاشورای حسینی می‌باشد.

حسین بن علی - علیه السلام - و یاران باوفایش حماسه‌ای بی‌نظیر و جاودانه را با جوهر خون بر صفحه‌ی تاریخ نگاشته‌اند که از والاترین گفتارها و کردارهای ناب تاریخ بشری می‌باشد و منشاء هزاران سروده در رثای حسین بن علی - علیه السلام - می‌باشد و در زبان‌های مختلف بریزه عربی و فارسی بر جا مانده و در احیا و جاودانگی و استمرار والگوسازی رثاء و مرثیه‌سرایی نقش مؤثری داشته است.

رثا از دیدگاه واژه شناسان

واژه رثاء از ماده (رثای) یا از ماده (رث و) گرفته شده است و مصادر آن به شکل های «رثایه»، «رثاؤه»، «مرثیه»، «رثوه» استعمال شده که به معنای گریستن و نوحه گفتن و مرثیه خواندن بر مرده و عزیز از دست رفته‌ای می‌باشد و در اصطلاح به شعری که در ستایش و بیان نیکی‌های شخص از دست رفته سروده شود، اطلاق می‌گردد.

البته برخی عقیده دارند که مرثیه تنها سوگنامه و سروده‌ای نیست که غم و فراق عزیزان و شخصیت‌های از دست رفته و فضایل ایشان را بازگو کند، بلکه مفهوم و محدوده‌ی شمول آن بسیار گسترده است و شامل هر منظومه و سخن منظوم در سوگ عزیزی و یا وطن، مروت و مهربانی، بهار جوانی، عشق و آزادی می‌شود و یا هر چه رشته‌ی عشق و احترام است و از دست دادنش انسان را به سوگ و ماتم می‌کشاند: عشق به خانواده، عشق به فضیلت، عشق به زیبایی، عشق به طبیعت، و... (افسری کرمانی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۲۰). نویسنده‌ی دیگر چنین گوید:

«قصایدی که شاعران در سوگ آثار و نشانه‌های دولت‌های ساقط شده، آبادانی‌های زوال یافته، مجد و عظمت گذشته، به نظم کشیده‌اند، در شمار مرثیه‌اند» (عبدالنور، ۱۹۸۴ م، ص ۱۲۱).

شاید بتوان این تعریف و دیدگاه درباره‌ی مرثیه و رثا را نتیجه‌ی این مطلب دانست که مرثیه‌سرایان با گذشت زمان موضوعات و مصادیق غیر انسانی را نیز در مرثیه خود وارد ساختند؛ بدین معنا که دیگر انسان بتهایی منظور و موضوع مرثیه‌سرایان نیست. نقطه‌ی اشتراک و تفاهم دو دیدگاهی که درباره‌ی مرثیه گفتیم، این است که مرثیه بیان فضایل و ستایش ارزش‌های از دست رفته و اندوه بر آن‌ها در قالب شعر است؛ با این تفاوت که یک دیدگاه آن را به افراد و مصادیق انسانی مختص می‌کند و دیدگاه دیگر برای آن مفهومی فراتر معتقد است؛ مفهومی که نه تنها افراد انسان، بلکه موضوعات غیر انسانی را هم شامل می‌شود.

به طور کلی براساس اصطلاح، رایج و مشهور «رثاء» شعری است که در بیان محاسن و بیان نیکی‌های افراد از دست رفته و شؤن آنان باشد.

انواع مرثیه

مراثی و سوگنامه‌های شاعران را در مرگ افراد از جهت محتوا به سه نوع تقسیم می‌کنند: «ندب»، «تایین»، «عزا».

۱- ندب را در لغت مرثیه خوانی بر مرده، و ستودن و گریه و زاری برای او معنا کرده‌اند. شوقی ضیف ندب را چنین معنا می‌کند: «ندب نوحه سرایی و گریه بر میت با عبارات‌های حزن آلود و کلمات اندوهگین است که در دل‌های سخت، اثر می‌کند و چشم‌های خشک را می‌گریاند» (ضیف، بی تا، ص ۱۲).

۲- تایین: در لغت مجلس یادبود برای مرده می‌باشد. «أبْنَه» یعنی او را مرثیه گفت و محاسنش را پس از مرگ بر شمرد و در اصطلاح ادبی مدح میت و ستایش او را می‌گویند. شوقی ضیف در این باره می‌گوید: «تایین در اصل به معنای ستایش شخص زنده یا مرده به کار می‌رفت؛ ولی سپس در ستایش مرده به کار گرفته شد؛ زیرا اعراب جاهلی را رسم آن بود که در کنار قبر میت بایستند و مناقب وی را شمرده و نیکی‌هایش را ردیف کنند. آنان در «تایین» خود فضایل و مکارم مرثی را ذکر نموده و اندوه و تاسف خود را اظهار می‌کردند» (ابوناجی، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۳).

۳- عزا به معنای شکیبایی بر مصیبت است. در اصطلاح دعوت به صبر و شکیبایی و پایداری در برابر مصیبت از دست دادن مردگان می‌باشد.

رثا در ادبیات

اقوام و ملت‌های دنیا از دیر باز در موضوعات و قالب‌های گوناگون بر اساس باورها و گرایش‌های خویش به سرودن شعر پرداخته و پایه‌های ادبیات خویش را بنا نهاده‌اند. از جمله موضوعات مشترک در ادبیات ملل مختلف وجود «رثاء» یا «سوگنامه» می‌باشد. برخی بر این باورند که «در دنیا کسی نیست که رثا را نشناسد، چنان که کسی نیست که مرگ را نشناسد. رثا در نزد همه‌ی ملت‌ها و طوایف بادیه نشین و پیشرفته و متمدن به چشم می‌خورد. انواعی از قطعات پراکنده آن را در ادب فراعنه قدیم می‌یابیم. این مراثی گاهی مستقل و گاهی در ضمن داستان‌ها آمده‌اند؛ مانند قصه‌های الهه‌های «اوزیرس» و «وسیت» و

«ایزیس» که وقتی سیت بر برادرش «اوزیرس» حمله نمود، وی را قطعه قطعه کرد و در صندوقی نهاده و به دریا افکند. خواهر و همسر «اوزیرس» بشدت بر او گریستند و مصریان نیز در اعیاد سالانه‌ی خود بر او گریستند. بی تردید مراسم سوگواری امروز مصریان که زنان دور هم جمع می‌شوند و بر صورت خود می‌زنند و سرو صورت خود را به گل می‌آریند به دوران گذشته برمی‌گردد.

در شعر یونان قدیم نیز رثا جایگاه رفیعی دارد و شاعران گوناگونی همچون «ارفلوس» و «سافو» و «سیمونیدس» بدان مشهور شده‌اند و کلمه Elegy یونانی که در ادب جدید غربیان به مرثیه اطلاق می‌شود، در یونان قدیم به وزن خاصی از شعر غنایی اطلاق می‌شد و موضوع آن سیاست یا اخلاق بود...» (رادفر، ۱۳۶۵ ش، صص ۱۰-۱۱).

رثا در ادب فارسی

در ادب فارسی نیز سوگنامه‌ها و مراثی فراوان و جالب توجه وجود دارد. نویسندگانی در این زمینه می‌نویسد: «رثا یا مرثیه در ادب فارسی بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان، اظهار تاسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان، و ذکر مصایب ائمه‌ی اطهار - علیهم السلام - بویژه حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - و دیگر شهدای کربلا، همراه با ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفای بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت، دعوت ماتم زندگان به صبر و سکون و مفاهیم دیگر از این قبیل سروده شده است» (همان).

مطالعه‌ی تاریخ شعر فارسی از قدیمی‌ترین ایام تاکنون نشان می‌دهد که شعر مرثیه از زمان رودکی با اشعاری که رودکی در رثای شهید بلخی، متوفای ۳۲۵ ه.ق. و دیگران سروده، آغاز شده است.

رثا در شعر عرب

اعراب از زمان‌های بسیار دور به دلیل برخوردار بودن از هنر گفتار و در پرتو این موهبت الهی به خلق آثار منثور و منظوم پرداخته‌اند. آثار به جای مانده از مواریت ادب عربی، به دوران قبل از اسلام که به عصر جاهلی مشهور است، بر می‌گردد. رثا در کنار

سایر موضوعات شعر، باب مهمی از شعر عربی را به خود اختصاص داده است. شوقی ضیف ناقد و نویسنده‌ی مشهور مصر می‌گوید: «عرب رثا را از عصر جاهلی شناخت؛ زیرا مردان و زنان برای مردگان نوحه و زاری می‌کردند و مرثیه‌گویان کنار قبر ایشان ایستاده و صفات نیک آنان را می‌ستودند» (ضیف، بی تا، ص ۷).

برخی اعتقاد دارند که رثا در ابتدا در نزد اعراب، همانند سایر ملت‌ها از اعتقادات سحرآمیز آنان ریشه گرفته است؛ زیرا رثا را موجب آرامش میت در قبر و مصونیت بازماندگان وی از شر و بدی می‌دانستند. با گذشت زمان انگیزه‌های دیگری چون احساس اندوه و غم عمیق در فراق مردگان، تلاش در جهت یاد آنان، تمجید و بیان فضایل ایشان به همراه تأمل و اندیشه درباره‌ی سرنوشت انسان، ناتوانی وی در برابر مرگ و بی اختیار بودن آدمی در مقابل تقدیر جانشین اعتقادات و انگیزه‌های سحر شد.

دیدگاه اسلام درباره‌ی رثا

ظهور اسلام تحول و انقلابی بزرگ در عرصه‌های مختلف جامعه آن روز به وجود آورد. با ظهور شریعت اسلام و پیامبر عظیم‌الشان و نزول قرآن کریم و طرح معارف و تعالیم نوین، تعمیرات و تحولات جدی در عرصه‌های مختلف به وجود آمد. از جمله این عرصه‌ها، عرصه شعر و شاعری بود. پیدایش فصل جدیدی در عرصه شعر رثایی قابل پیش بینی بود. سنت‌هایی همچون گریستن، نوحه سرایی در قالب مرثیه در سوگ مردگان که نزد اعراب رایج و مرسوم بود، نمی‌توانست از نگاه نقادانه آیین جدید کتاب و پیامبر - صلی الله علیه و آله - به دور باشد. چنین شعر و رثایی باید قبل از هر چیز مورد تایید و قبول دین و پیامبر - صلی الله علیه و آله - قرار می‌گرفت و همسو و منطبق با شریعت نو و جدید، پالایش و اصلاح می‌گشت.

حقیقت آن است که بر اساس برخی از روایات، گریه و اندوه در فراق از دست رفتگان و مرثیه خوانی و سوگواری با رعایت موازین خاص نه تنها از سوی پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان معصوم مذمتی در پی نداشت، بلکه به عنوان یک امر فطری و غریزی مطابق با عواطف و احساسات و تمایلات سالم انسانی، دارای آثار مثبت فردی و اجتماعی

محسوب می‌گشت. رفتار و سیره‌ی آن بزرگواران بوضوح گویای تأیید و تشویق گریستن، نوحه گفتن، و مرثیه سرایی در سوگ از دست رفتگان بود. به طور خلاصه و فهرست وار به آن موارد اشاره می‌گردد:

۱. رحلت ابراهیم، فرزند پیامبر، و گریستن پیامبر در این رحلت؛
۲. جنگ احد و سوگواری و سوگنامه سرایی بعد از آن واقعه، در هر کوی و برزن؛
۳. سوگنامه‌ی حضرت علی - علیه السلام - هنگام غسل دادن پیامبر - صلی الله علیه و آله - در حالی که او را برای دفن آماده می‌ساخت؛ سوگنامه‌ای دارند که شایان توجه است؛
۴. اندوه و سوگنامه‌ی حضرت علی - علیه السلام - هنگام شنیدن خبر شهادت مالک اشتر؛
۵. سوگنامه‌ی حضرت زهرا(س) در رثای پدر بزرگوارش، پیامبر - صلی الله علیه و آله؛
۶. اندوه و سوگنامه‌ی حضرت زهرا(س) در باب محروم ساختن آن حضرت از فدک و سوگنامه‌ی آن بزرگوار در محروم ساختن حضرت علی - علیه السلام - از خلافت و سروده‌های آن حضرت در کنار قبر پیامبر - صلی الله علیه و آله - و موارد دیگر که مجال بحث نیست. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به (قمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۳۱) مراجعه کرد.

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رثا و گستردگی آن در ادبیات شیعی

تشیع همانند تمامی جریانات هدفمند در دستیابی به آرمان‌ها و اشاعه و تقویت عقاید خویش از وسایل گوناگونی بهره جسته است. شعر که به عنوان یکی از وسایل مؤثر، همواره در خدمت مذاهب و انقلاب‌ها بوده و می‌باشد، در تاریخ اسلام و شیعه نیز اهمیت ویژه و کاربرد فراوانی داشته است. شعر شیعی، خود را ملتزم و موظف به پیروی و الگوپذیری از قرآن و عترت پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌داند. بر این اساس، شاعران شیعی آثار بسیار، بامعانی جدید و متفاوت با سبک‌ها و موضوعات شعری دیگر آفریدند. از جمله، سوگنامه‌هایی که در اشعار شیعی وجود دارد نشان می‌دهد، گستردگی و فراوانی این

سوگ سروده‌ها در اشعار شیعی را به عوامل چند می‌توان نسبت داد: عاطفه‌ی سرشار انسانی و احساس دقیق مرثیه سرایان شیعه که با پشتوانه‌ی تأیید و ترغیب مرثیه سرایی از سوی پیامبر - صلی الله علیه و آله - و سایر معصومین همراه گشته بود، به تداوم و کثرت این نوع شعر کمک شایانی کرد. وقوع حوادث و فجایع و از طرف دیگر توصیه‌ی امامان معصوم - علیهم السلام - به برپایی مجالس مرثیه‌خوانی، از مهم‌ترین علل رواج این شعر خاص در میان شیعیان به حساب می‌آید.

رثای شیعی و وجوه تمایز آن

رثای شیعی به خاطر برخی ویژگی‌های خاص از سایر انواع شعر شیعی و غیر شیعی متمایز می‌گردد این بخش از شعر شیعی گاهی به لحاظ محتوا و مضامین و آهنگ‌ها، گاه به خاطر انگیزه‌ها و مقاصد و زمانی به جهت سرگذشت‌های تاریخی و نحوه‌ی برخورد حکومت‌ها با آن ویژگی‌های خاصی، به خود می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که رثای شیعی را از سایر اشعار و مرثی متمایز می‌سازد، مفاهیم و مضامین خاص آن می‌باشد. اگر در مرثی غیر شیعی مفاهیمی چون مرگ و حیات، گریاندن و گریستن، اندوه و غم شاعر، مدح فضایل مرثی و یاد کردن او و جلب نظر دیگران مطرح است؛ رثای شیعی علاوه بر این‌ها به شرح حماسه، جهاد و قتال شهیدان و قهرمانان می‌پردازد. همچنین هجو ستمگران و رسوایی و افشای ماهیت ایشان را در بر می‌گیرد. نیز به سرزنش و انتقاد از عهدشکنی مردم پرداخته و به خاطر عدم حمایت از اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه و آله - از ایشان شکوه می‌کند.

از دیگر وجوه تمایز شعر رثای شیعه با سایر مرثی را می‌توان در رسالت و انگیزه‌ی شاعران شیعی در مرثی جست و جو کرد. رثا پس از نظر اسلام و با گذشت زمان از حیث محتوا و انگیزه‌ها تحول و تکامل کامل یافت. نمونه‌ی کامل و مصداق بارز این تحولات و تکامل، رثای شیعی است؛ چرا که از حیث محتوا و مضمون، معانی و معارف جدید در آن وارد گشت و از حیث انگیزه‌ها و مقاصد نیز با سایر مرثی تفاوت یافت. شاعر شیعی حتی جایی که به طرح مضامین می‌پردازد، دیدگاهی خاص و انگیزه‌ای متفاوت دارد. مثلاً شاعر

شیعی در شعر خود مرگ را همگون با عقاید خویش سرانجام حتمی همه‌ی انسان‌ها می‌داند و آن را گذر از جهانی فانی به جهانی باقی معرفی می‌کند؛ اما مقصودش از طرح آن در مراثی خود تذکر بی‌اعتباری دنیا و هشدار به غافلان از مرگ است. او بدین وسیله به تسلای خود و وابستگان می‌پردازد؛ اما مسؤولیت آدمی در قبال اعمال خویش را در آخرت نیز گوشزد می‌کند. یا شاعر شیعی در مراثی خود به گریستن و گریاندن می‌پردازد؛ ولی منظورش تنها کاستن از اندوه و غم مصیبت دیدگان نیست، بلکه او گریه‌ی هدفدار را می‌خواهد؛ گریه‌ای که توأم با تفکر و تدبّر و عبرت باشد. براساس این فرهنگ گریه بیش‌تر برای شهیدان توصیه شده است؛ آن‌هم برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی ایشان در طول زمان. گریه شاعر بر شهید به همان معنایی است که در تعبیر زیبای استاد شهید مطهری آمده است. ایشان در کتاب حماسه‌ی حسینی می‌گویند: «گریه بر شهید شرکت در حماسه‌ی او و هماهنگی با روح او، موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست».

رثای امام حسین - علیه السلام - گسترده‌ترین رثای شیعی

مطالعه‌ی شعر اسلامی نشان می‌دهد که مرثیه سرایی درباره‌ی حسین بن علی - علیه السلام - و اعوان و انصار آن امام همام از زمان واقعه‌ی جانگداز کربلا بیش‌ترین و مهم‌ترین بخش مراثی را تشکیل می‌دهد. فراوانی مرثیه درباره‌ی این واقعه، تعجب‌انگیز است به طوری که به گفته‌ی نویسنده‌ی کتاب «ادب الطف» جمع آوری اشعاری که درباره‌ی امام حسین - علیه السلام - سروده شده است، به صدها جلد کتاب نیاز دارد. شاعری چون شیخ احمد البلاذی از شعرای قرن دوازدهم هجری بنهایی هزار قصیده در رثای امام حسین - علیه السلام - به نظم کشیده و آن‌ها را در دو جلد ضخیم گردآوری نموده است و یا شاعرانی چون شیخ خلیعی جمال‌الدین عبدالعزیز از شعرای قرن نهم، شیخ حسن الدمستانی از شعرای قرن سیزدهم، شیخ محمد الشویکی از شعرای قرن دوازدهم و... هر کدام دیوان شعری درباره‌ی عاشورا و امام حسین - علیه السلام - دارد و در مجموعه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی صدها قصیده از قصاید حسینی موجود است، در حالی که نام شاعر یا سراینده آن ذکر نشده است» (شبر، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۸).

برای گستردگی این نوع اشعار و مرثی‌های دلایل متعددی را می‌توان برشمرد. قبل از هر چیز باید این گستردگی را نتیجه‌ی خصوصیات شکلی و محتوایی خود حادثه‌ی عاشورا دانست.

این حادثه مهم‌ترین حماسه‌ی تاریخی و تلخ‌ترین فاجعه و کشتاری بود که در تاریخ بشر و اسلام و تشیع اتفاق افتاده بود و ویژگی خاصی داشت. در این فاجعه و حادثه که مظلومیت، تنهایی، غربت، تشنگی، عشق، ایشار، وفاداری، ادب، عبودیت، شجاعت، حماسه، اطاعت، عرفان، اخلاص، ایمان و... در جای جای آن موج می‌زند، تبلوری تام داشت. این حماسه توانست بیش‌ترین تاثیر را بر عواطف و افکار شاعران متعهد داشته، آنان را به شرح و وصف آن در قالب‌های گوناگون شعری بویژه رثا برانگیزد.

مرثیه‌ی مطلوب حسینی کدام است؟

از آن‌چه تاکنون درباره‌ی رثا گفته شد، می‌توان دریافت رثای حسینی در شعر شیعی سابقه‌ای طولانی، قداستی خاص و گستردگی بسیار دارد. امامان معصوم بدان سفارش و ترغیب نمودند و حکام و خلفای غاصب و ظالم به مخالفت با آن پرداختند. عاشورا نیز منشا تحولات کمی و کیفی در مرثیه گردید و این نوع از رثا تاثیر بسزایی در احیا و گسترش فرهنگ، ارزش‌ها، پیام‌ها و آرمان‌های اسلامی، شیعی و عاشورایی داشته و دارد.

اینک چندین سوال مهم و اساسی مطرح است:

چه مرثیه‌ای را باید مطلوب و سازنده و حامل پیام امام حسین - علیه السلام - و عاشورا خواند؟ کدام مرثیه‌ی حسینی و عاشورایی است که از قداست و اهمیت برخوردار است؟ کدام مرثیه است که ائمه‌ی معصوم به آن توصیه کردند و حکام به مخالفتش برخاستند؟ مرثیه‌ای که می‌تواند عاملی مؤثر در گسترش فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی باشد، کدام است؟ مرثیه سرایان چه ویژگی‌ها و معیارهایی را باید در نظر بگیرند تا مرثیه، سودمند و ماندگار باشد.

به عقیده‌ی ما شایسته است رثای حسینی و عاشورایی از ویژگی‌های زیر برخوردار

باشد:

- ۱ - دارای قوت و لطافت ادبی باشد و سست و ضعیف و کم ارزش تلقی نگردد. متأسفانه کم نیستند اشعاری که از سوی برخی افراد حتی به انگیزه‌ی ارادت به ابا عبد الله الحسین - علیه السلام - و قیام عاشورا سروده و منتشر می‌گردند و گاه در مجالس و محافل خوانده می‌شوند؛ ولی از جنبه‌ی هنری و ادبی ضعیف و بی پایه‌اند. نه تنها لذت و رغبتی را در خواننده یا شنونده بر نمی‌انگیزند و جذابیتی ندارند، بلکه ملال آور و خسته کننده نیز می‌باشند.
- ۲ - گویای فضایل، مناقب، مصایب و مظلومیت‌های اهل بیت پیامبر در طول تاریخ، خصوصاً در حادثه‌ی عاشورا باشد. در یکی از سخنان امام خمینی - رحمت الله علیه - در این باره آمده است:
- هرثیه گفته بشود، شعر و نثر در فضایل اهل بیت و در مصایب آن‌ها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند، در صححه باشند، بدانند که ائمه‌ی ما تمام عمرشان را صرف برای ترویج اسلام کردند. اگر آن‌ها سازش می‌خواستند بکنند، همه‌ی جهات مادی برایشان مهیا بود؛ لکن خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند (امام خمینی، ج ۱۵، ص ۲۰۵).
- ۳ - به تصویر وقایع و فجایع حادثه‌ی کربلا پردازد و عمق و عظمت آن را تبیین نماید.
- ۴ - تنها به غم و اندوه و اشک اکتفا نماید؛ بدین معنا که فقط به جنبه‌ی حزن و مصیبت حادثه‌ی عاشورا پردازد، بلکه جنبه‌های آموزنده‌ی بسیار و چهره‌های گوناگون آن را در برداشته باشد.
- ۵ - شورانگیز و محرک احساسات و عواطف مردم باشد؛ بویژه آن که حسن انتقام از دشمنان اسلام و حسن فداکاری را در راه مکتب و آرمان‌های الهی برانگیزد.
- ۶ - مطالب سست، گزافه، مغایر با حقایق تاریخی، و روحیات و شخصیت معصومین - علیهم السلام - در آن مطرح نشود؛ یعنی از بیان هر مطلبی که موجب وهن و تحریف معارف و اعتقادات دینی و تاریخ اسلام خصوصاً نهضت عاشورا می‌شود، به دور باشد.

۷- محتوا و مفاهیم آن با منابع متقن تاریخ اسلام و عاشورا و اهداف حرکت عظیم اباعبدالله - علیه السلام - منطبق باشد و از سخنان و شعرهای آن حضرت و دیگر قهرمانان کربلا همچون امام سجاد - علیه السلام - و حضرت زینب بهره بگیرد. استاد شهید مطهری در این باره چنین گفته‌اند:

«شعارهایی که در سینه‌زنی‌ها و نوحه سرایی‌ها می‌دهید، شعرهای حسینی باشد. نوحه بسیار بسیار خوب است. اثمی اطهار دستور می‌دادند افرادی که شاعر بودند، نوحه خوان بودند، نوحه سرا بودند، بیایند برای آن‌ها ذکر مصیبت بکنند. آن‌ها شعر می‌خواندند و اثمی اطهار گریه می‌کردند. نوحه سرایی و سینه زنی و زنجیر زنی. من با همه‌ی این‌ها موافقم؛ ولی به شرط این که شعارها، شعرهای حسینی باشد، نه شعارهای من در آوردی: نوجوان اکبر من! نوجوان اکبر من! شعار حسینی نیست. شعارهای حسینی شعارهایی است که از این تیب باشد: فریاد می‌کنند: لا ترونَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَمَعْلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَمْتَنَاهُ عَنَّة؟ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ حَقًّا؟ مردم! نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل رویگردان نیست! در چنین شرایطی مؤمن باید لقای پروردگارش را بر چنین زندگی‌ای ترجیح بدهد. يَا لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا يَوْمًا؟ من مرگ را جز خوشبختی نمی‌بینم، من زندگی با ستمکاران را جز ملالت و خستگی نمی‌بینم.

مرا عار آید از این زندگی که سالار باشم، کنم بندگی

شعارهای حسین - علیه السلام - شعارهای محیی بود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۱ (مطهری، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، صص ۲۰۶-۲۰۷).

۸- احیاگر، مبلغ و نشاندهنده‌ی مکتب حسین و ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت و یارانش باشد؛ خصوصاً آن که بعد حماسی شخصیت و قیام او را به صورت کاملاً برجسته مطرح نماید و روح حماسی و قهرمانی آن حضرت را در اجتماع بدمد. استاد مطهری با انتقاد شدید از آنان که فقط صحنه‌ی مصیبت‌بار حادثه‌ی عاشورا را می‌بینند و می‌خوانند،

درباره‌ی ضرورت پرداختن به جنبه‌های دیگر این حادثه و شخصیت اباعبدالله خصوصاً جنبه‌ی قهرمانی آن حضرت در مرثیه چنین می‌گوید: «من نمی‌گویم آن صحنه‌ی تاریک را نباید دید، بلکه باید آن را دید و خواند؛ اما این مرثیه همیشه باید مخلوط باحماسه باشد. این که گفته‌اند رثای حسین بن علی باید همیشه زنده بماند، حقیقتی است و از خود پیغمبر گرفته‌اند و ائمه‌ی اطهار نیز به آن توصیه کرده‌اند. این رثا و مصیبت نباید فراموش بشود... این یادآوری نباید فراموش بشود و باید اشک مردم را همیشه بگیرید؛ اما در رثای یک قهرمان، اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگیرید و گرنه رثای یک آدم نفله شده‌ی بیچاره‌ی بی دست و پای مظلوم که دیگر گریه ندارد و گریه‌ی ملتی برای او معنا ندارد. در رثای قهرمان بگیرید، برای این که احساسات قهرمانی پیدا بکنید، برای این که پرتوی از روح قهرمان در روح شما پیدا شود و شما هم تا اندازه‌ای نسبت به حق و حقیقت غیرت پیدا کنید، تا شما هم عدالتخواه بشوید، شما هم با ظلم و ظالم نبرد بکنید، شما هم آزادیخواه باشید، برای آزادی احترام قایل شوید، شما هم سرتان بشود که عزت نفس یعنی چه، شرف و انسانیت یعنی چه، کرامت یعنی چه، اگر صفحه‌ی نورانی تاریخ حسینی را ما خواندیم آن وقت از جنبه‌ی رثایی‌اش می‌توانیم استفاده بکنیم و گرنه بیهوده است.» (همان، ج ۱، صص ۱۲۷-۱۲۸).

ایشان در سخنی دیگر نیز درباره‌ی ضرورت پرداختن به حماسه در رثای حسینی چنین می‌گوید: «این رثا باید به شکلی باشد که... حسن قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیا بکند. حسین بن علی - علیه السلام - یک سوژه‌ی بزرگ اجتماعی است. حسین بن علی در آن زمان یک سوژه‌ی بزرگ بود. هر کسی که می‌خواست در مقابل ظلم قیام کند، شعارش یا لئارات الحسین بود. امروز هم حسین بن علی - علیه السلام - یک سوژه‌ی بزرگ است؛ سوژه‌ای برای امر به معروف و نهی از منکر. برای اقامه‌ی نماز، برای زنده کردن اسلام، برای این که احساسات و عواطف عالی‌ه‌ی اسلامی در وجود ما احیا بشود.» (همان، ص ۱۷۴-۱۷۵).

۹- رسواگر و افشاکننده‌ی حکام فاسد و ستمگر و ماهیت آنان در هر عصری باشد و به‌مقابله و معارضه‌ی با ایشان پردازد. امام خمینی - رحمت الله علیه - راز بزرگداشت

حماسه‌ی عاشورا و تاکیدات معصومین بر نوحه سرایی و مرثیه سرایی را در همین نکته می‌دانند و می‌نویسند:

«آنچه دستور ائمه - علیهم‌السلام - برای بزرگداشت این حماسه‌ی تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه‌ی ملت‌هاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد؛ و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه - لعنت‌الله‌علیهم - (با آن‌که آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند)، فریاد بر ستمگران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد ستم‌شکن است؛ و لازم است در نوحه‌ها و مرثیه و اشعار ثنای از ائمه‌ی حق - علیهم‌السلام - به طور کوبنده و فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و زمان یادآوری شود» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۳، صص ۶-۷).

متفکر بزرگ استاد مطهری با اعتقاد کاملی که به ضرورت مخالفت با ستمگران و تعریض بدانان در مرثیه داشت، درباره‌ی اثرات و نتایج آن چنین گفته‌اند: «دلم می‌خواهد شما اشعار کمیت اسدی، اشعار دعبل خزاعی و اشعار ابن الرومی و اشعار ابوفراس حمدانی، که به عربی است، با همین اشعار محتشم که هزار تا خواب برایش نقل می‌کنند، مقایسه کنید و ببینید آن‌ها کجا و این‌ها کجا! آن‌ها دارند مکتب حسین را نشان می‌دهند. کمیت اسدی با همان اشعارش از یک سپاه پیش‌تر برای بنی‌امیه ضرر داشت... شعری می‌گفت که تکان می‌داد دنیا را. تکان می‌داد دست‌گاه خلافت وقت را...

دعبل بن خزاعی... خودش می‌گفت: پنجاه سال است که دار خودم را روی دوش گرفته‌ام و راه می‌روم. آن‌ها مرثیه گفته‌اند، اما نه به صورت عمه من غریبم! حماسه‌ها گفتند. چه حماسه‌هایی! یک قصیده‌ی آن‌ها به اندازه‌ی یک سلسله مقالات که یک نفر متفکر انقلابی بنویسد، اثر دارد. این‌ها در زیر چتر مرثیه سالار شهیدان چه انتقادهای گزنده‌ای از بنی‌امیه و از بنی‌عباس کردند و چه بر سر آن‌ها آوردند!... آن روز نام حسین بن علی - علیه‌السلام - و تاکیدهای ائمه به عزاداری و بر اثر به وجود آمدن امثال کمیت‌ها و دعبل بن خزاعی‌ها پدر متوکل را در می‌آورد. متوکل می‌دید که هر یک از این‌ها به اندازه‌ی یک سپاه علیه او مؤثر هستند... می‌دید حسین به همین مرثیه خوانی‌ها به صورت

یک مکتب در آمده است که دیگر متوکل نمی‌تواند متوکل باشد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۱۲۶-۱۲۷).

۱۰- به بیان ریشه‌ها، علت‌ها، ماهیت، آثار و پیام‌های حماسه‌ی حسین بن علی پردازد.

۱۱- خواننده و شنونده را به تفکر وادارد و عبرت آموز باشد.

بدین ترتیب شعری که در رثای امام حسین - علیه السلام - و شهیدان کربلا سروده می‌شود، مفید و مطلوب خواهد بود و می‌تواند عزت بخش، موج آفرین، حرکت بخش، پیام رسان، هدفدار، مؤثر و ماندگار باشد.

سوال مهم دیگر در زمینه‌ی رثای حسینی و عاشورایی این است که چه کسی را می‌توان مرثیه گوی گوی حسین بن علی - علیه السلام - و عاشورا دانست؟ آیا هر کس به صرف داشتن اندکی ذوق شعری و مرتب ساختن برخی از الفاظ، به اسم مرثیه، شایسته‌ی این نام است؟ چه کسی می‌تواند مرثیه‌ای با ویژگی‌های مذکور بسراید؟

در پاسخ به این سوال باید بگوییم: مرثیه‌سرای حسینی و عاشورایی کسی است که لااقل از خصوصیات زیر برخوردار باشد:

الف- دارای ذوق شعری و ادبی و تسلط کافی در سرودن شعر باشد. باید و نبایدهای آن خصوصاً مرثیه را بداند و بتواند اشعاری نیکو و جذاب بسراید. آثاری لطیف، بدیع و محکم ارائه نماید تا خواننده و شنونده تحت تاثیر کلام زیبای او قرار گیرد.

ب- رسالت، اهمیت، قداست و حساسیت رثای حسینی را درک و لمس نماید.

نتیجه

رثای حسینی و عاشورایی باید دارای قوت باشد و با رعایت جنبه‌های هنری و ادبی گویای فضائل، مناقب، مظلومیت اهل بیت پیامبر در طول تاریخ بویژه مصائب حادثه عاشورا باشد. در تصویر کشاندن وقایع و فجایع حادثه‌ی کربلا به عمق و عظمت این حادثه نیز توجه شود و تنها به جنبه‌های حزن و اندوه و مصیبت پرداخته نشود، بلکه به عبرت‌های عاشورا و جنبه‌های آموزنده و ابعاد گوناگون آن در زمینه‌های اخلاقی، تربیتی، اعتقادی و

حماسی نیز اشاره گردد؛ به گونه‌ای که حس فداکاری و ایشار و از خودگذشتگی را در راه اسلام در روح انسان‌ها زنده کند و از روی آوردن به مطالب سست و مغایر با حقایق تاریخی و روحیات و شخصیت معصومین (ع) پرهیز شود و از هر مطلبی که موجب وهن و تحریف معارف و اعتقادات دینی و نهضت عاشورایی می‌شود دوری گزینند.

محتوا و مفاهیم رثای حسینی با منابع صحیح تاریخ اسلام و عاشورا و اهداف حرکت عظیم حسین بن علی (ع) منطبق باشد و از ستاره‌های آن حضرت و دیگر یاران امام (ع) و قهرمانان کربلا، مانند حضرت ابوالفضل و امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) بهره بگیرد و در حقیقت شعارهای حسین (ع) مصداق بارز این آیه شریفه بود: *ایها الذین آمنوا استحيوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحببکم* (انفال، ۲۴).

رثای حسینی باید پیام‌های اصلی این حادثه را هر چه برجسته‌تر و کامل‌تر در گستره ادبیات شیعی به تصویر بکشاند. به جنبه‌های الگوساز و قهرمان‌ساز و حماسه‌آفرینی آن و عناصر امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز که در حقیقت عناصر زنده کردن اسلام می‌باشد، توجه شود. از طرف دیگر رثای حسینی و ادبیات عاشورایی باید روحیه مبارزه و مقابله با احکام فاسد و ستمگر و استعمارگر را در هر عصر زنده نگه دارد و با اشعار شورانگیز و محرک احساسات و عواطف مردم به این سمت هدایت کند و از طرف دیگر خوانندگان این اشعار را به تفکر و عبرت‌آموزی از حادثه عاشورا سوق دهد.

به‌طور کلی هر شاعر و ادیبی که بخواهد در این حوزه قدم نهد باید به نکات فوق توجه جدی داشته باشد. مرثیه سرای شیعی باید مطالعات دقیق و صحیح در مورد حادثه عاشورا و نهضت الهی و انسان‌ساز حسین بن علی (ع) داشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱.
۳. ابو مخنف، لوط بن یحیی، (۱۳۷۸ش)، مقتل الحسین، ترجمه علی کرمی، قم، دارالکتاب جزائری.
۴. ابوناجی، محمود حسن، (۱۴۰۱ق)، الرثاء فی الشعر العربی اوجراحات القلوب، بیروت، دارمکتبه الحیاء.
۵. افسری کرمانی، عبدالرضا، (۱۳۷۱ش)، نگرشی به مرثیه سرایی در ایران، تهران، اطلاعات.
۶. امامی، نصرالله، (۱۳۶۹ش)، مرثیه سرایی در ادبیات فارسی، تهران، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
۷. امین، محسن، (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، ج ۹، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۸. امینی، عبدالحسین، (۱۳۷۶ش)، الفدیر، ج ۷، ترجمه ی محمد باقر بهبودی، تهران، بنیاد بعثت.
۹. الامینی، محمد هادی، (۱۴۰۸ق)، الشریف الرضی، تهران، مؤسسه نهج البلاغه.
۱۰. الباخززی، علی بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، دمیة القصر و عصره اهل العصر، بیروت، دارالجمیل، ج ۱.
۱۱. باقری، بیدهندی، (۱۳۷۷ش)، ناصر، ابن حجاج شاعر معروف قرن چهارم، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. البستانی، فؤاد افراهم، (۱۴۱۹)، المجانی الحدیث، ج ۳، قم، ذوی القربی.
۱۳. البصیر، محمد مهدی، (۱۹۷۰م)، فی الادب العباسی، نجف، مطبعة النعمان.
۱۴. بغدادی، خطیب، (بی تا)، تاریخ بغداد، ج ۲، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
۱۵. التستری، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، قاموس الرجال، ج ۹، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. الثعالبی، ابی منصور، (۱۴۰۳ق)، یتیمه الدهرفی محاسن اهل العصر، ج ۳، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
۱۷. الثعالبی، ابی منصور، (۱۴۰۳ق)، تنمة الیتیمه، ج ۵، بیروت، دارمکتبه الحیاء.
۱۸. جرجی زیدان، (۱۳۶۹ش)، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
۱۹. جرجی زیدان، (۱۹۷۸م)، تاریخ آداب اللغة العربیة، ج ۱، بیروت، دارمکتبه الحیاء.

۲۰. جعفری، محمد مهدی، (۱۳۷۲ش)، پرتوی از نهج البلاغه، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. جعفری، محمد مهدی، (۱۳۷۵ش)، سید رضی، ج ۱، تهران، طرح نو.
۲۲. جعفریان، رسول، (۱۳۷۷ش)، تاریخ تشیع در ایران، ج ۵، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۳. حسن، ابراهیم، (۱۳۷۱ش)، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان.
۲۴. حسن، محمد عبدالغنی، (بی تا)، الشریف الرضی، مصر، دارالمعارف.
۲۵. الحسنی، جمال الدین احمد بن علی، (بی تا)، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، نجف، المكتبة المرتضویة.
۲۶. حسینی، نعمت‌الله، (۱۳۶۷ش)، مردان علم در میدان عمل، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۵ش)، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. الحموی، یاقوت، (۱۳۷۶ق)، معجم البلدان، ج ۴، دارصادر.
۲۹. خمینی، روح الله، (۱۳۶۸ش)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، ج ۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. خمینی، روح الله، (۱۳۶۱ش)، صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۳۱. رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۶۵ش)، چند مرثیه از شاعران پارسی گوی، ج ۱، تهران، امیر کبیر.
۳۲. راغب الاصفهانی، (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفة.
۳۳. سید بن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی، (۱۳۷۸ش)، اللهوف، عقیقی بخشایشی، ج ۵، قم، نشر نوید اسلام.
۳۴. شبر، جواد، (۱۴۰۹ق)، ادب الطف، ج ۱، بیروت، دارالمرتضی.
۳۵. الشارهر، عبداللطیف، (۱۹۹۳)، الشریف الرضی، دارالکتاب العالمی، الدار الافریقیة العالمی.
۳۶. الشریف الرضی، محمد بن الحسین الموسوی، (۱۴۰۶ق)، دیوان شعر، ج ۱ و ۲، مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی.
۳۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی.
۳۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۸ش)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، دانشگاه مشهد.
۳۹. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۳۶۴ش)، امالی، حسین استاد ولی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۶۷ش)، پرتوی از عظمت حسین، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی.

۴۱. الصفار، ابتسام مرهون، (بی تا)، الامالی فی الادب الاسلامی، بغداد، دارالحکمة للطباعة والنشر.
۴۲. ضیف، شوقی، (بی تا)، الرناء، مصر، دارالمعارف.
۴۳. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۳ش)، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. عبدالنور، جبور، (۱۹۸۴م)، المعجم الادبی، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴۵. الفاخوری، حناء، (۱۳۷۴ش)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ج ۳، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، توس.
۴۶. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۶ش)، قاموس قرآن، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۰ش)، نفس المهموم، ج ۱، ترجمه شیخ محمد باقر کمره‌ای، قم، مسجد جمکران.
۴۸. قمی، شیخ عباس، (۱۴۱۲ق)، منتهی الامال، ج ۱، قم، هجرت.
۴۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۰ش)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی